

Indicators of the Civilizational Utopia in the Thought of Allamah Misbah Yazdi

Mahdi Omidī Naqlbarī  / Associate Professor, Political Science Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
omidiman@iki.ac.ir

Received: 2025/01/29 - **Accepted:** 2025/04/30

Abstract

Delineating an ideal society with the aim of identifying the strengths and weaknesses of society, critiquing and evaluating the performance of rulers, and improving and reforming society is essential. In this article, using a descriptive-analytical method, the ideal society or civilizational utopia of Ayatollah Misbah Yazdi is analyzed in three steps: defining primary and intermediary objectives; delineating fourfold human relations and interactions; and the indicators of the utopia. The most important indicators of the civilizational utopia from his perspective are: basing the utopia on divine vicegerency (istikhlāf) and trust; compliance with the divine legislative will; simultaneous attention to natural and innate needs; the existence of a right-oriented religious government; religious democracy centered on religious truths; material and spiritual elevation as the function of the state; societal convergence with ultimate goals; establishing comprehensive security in society; regulated freedom within the framework of ethics and sharia; regulating friendships and enmities based on divine pleasure; tolerance within the framework of divine laws; comprehensive and balanced growth; the fundamentality of spiritual interests for social cohesion; resistance against threats; social reform based on valid and comprehensive religious knowledge; belief in the Hereafter and seeking martyrdom; honoring and preserving divine symbols and values; social responsibility; deprivation alleviation and combating extravagance; and social spiritual freedom.

Keywords: Utopia, civilization, social relations, religion, state, virtue, felicity

شاخص‌های آرمان‌شهر تمدنی در اندیشه علامه مصباح یزدی

omidiman@iki.ac.ir

/ دانشیار گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

ترسیم جامعه آرمانی با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف جامعه، نقد و ارزیابی عملکرد حاکمان و بهبود و اصلاح جامعه امری ضروری است. در این مقاله به‌روش توصیفی - تحلیلی جامعه آرمانی یا آرمان‌شهر تمدنی آیت‌الله مصباح یزدی در سه گام تحلیل شده است: تعریف اهداف اصلی و میانی؛ ترسیم مناسبات و روابط چهارگانه انسانی؛ و شاخص‌های آرمان‌شهر. مهم‌ترین شاخص‌های آرمان‌شهر تمدنی از نظر ایشان عبارت‌اند از: اِبتِنای آرمان‌شهر بر استخلاف و امانت الهی؛ تبعیت از اراده تشریعی الهی؛ توجه توأمان به نیازهای طبیعی و فطری؛ وجود دولت حق‌گرای دینی؛ مردم‌سالاری دینی بر محور حقایق دینی؛ تعالی‌بخشی مادی و معنوی به‌مثابه کارویژه دولت؛ هم‌گرایی جامعه با اهداف غایی؛ برقراری امنیت فراگیر در جامعه؛ آزادی قاعده‌مند در چهارچوب اخلاق و شریعت، تنظیم دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر پایه رضای الهی؛ مدارا در چهارچوب قوانین الهی؛ رشد همه‌جانبه و متعادل؛ پایه بودن مصالح معنوی برای انسجام اجتماعی؛ مقاومت در برابر تهدیدات؛ اصلاح اجتماعی بر پایه معرفت دینی معتبر و جامع؛ معادباوری و شهادت‌طلبی، تکریم و پاسداشت شعائر و ارزش‌های الهی؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ محرومیت‌زدایی و مبارزه با اسراف؛ و آزادی معنوی اجتماعی.

کلیدواژه‌ها: آرمان‌شهر، تمدن، روابط اجتماعی، دین، دولت، فضیلت، سعادت.

مقدمه

زیست اجتماعی برای انسان، نه امری جبری، بلکه اضطراری و تا حدودی اختیاری و اخلاقی است. جامعه نیز مجموعه مناسبات و روابط اجتماعی میان افراد انسانی و ارزش‌ها و باورداشتهای مشترک آنان است که از یک وحدت مفهومی برخوردار است. زندگی اجتماعی، با اینکه بیشترین کمالات انسان در آن رقم می‌خورد، دارای ارزش مطلق نیست؛ بلکه اجتماع وسیله‌ای برای کسب ارزش‌های بالاتری چون دستیابی به مصالح مادی، رشد معنوی و کمال نهایی است. میان «فرد و آزادی‌های وی» و «جامعه و قدرت دولت» رابطه‌ای دوسویه وجود دارد: از یک سو جامعه با استفاده از دو نیروی قاهر «ارتباطات اجتماعی» و «باورداشتهای مشترک»، فرد را می‌پرورد و تربیت می‌کند و (به مثابه یکی از عوامل مؤثر) او را صاحب شخصیتی خاص می‌سازد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۹)؛ از سوی دیگر، فرد با احترام به مصالح جامعه، به حقوق و تکالیف خود راه می‌یابد؛ زیرا عقل در مقابل هر تکلیفی که برای فرد در جامعه وضع می‌کند، حقی را نیز برای او مقرر می‌دارد. در این صورت، موازنه‌ای میان حق فرد و تکلیف او به وجود خواهد آمد که از آن به «عدالت» یاد می‌شود. در این صورت، هر فرد به اندازه‌ای که به اجتماع نفع می‌رساند، حق دارد که از آن بهره‌مند شود. در عین حال، عقل برای کسانی که از ناتوانی ذهنی یا جسمی رنج می‌برند، استثنایی در نظر می‌گیرد و با آنها بر پایه احسان برخورد می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۰-۴۴).

پس ارزش زندگی اجتماعی به اندازه‌ای است که برای رشد و تکامل فرد (و سعادت جمع) مؤثر باشد و اگر دارای تأثیر منفی باشد، طبعاً ارزش منفی خواهد داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۳۸). از آنجا که ارزش کمال و سعادت بالاترین ارزش‌هاست و انسانیت انسان و کمال حقیقی او نیز در سایه «معنویات» به دست می‌آید، پس مصالح معنوی که نقش بیشتری در تکامل فرد و اجتماع دارند، باید در تمامی روابط درون اجتماعی و برون اجتماعی (جز در موارد خاص) بر مصالح مادی تقدم یابند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۹). همچنین با توجه به همسان نبودن روابط اجتماعی و قرب و بُعد افراد در سلسله مراتب آن، حقوق و تکالیف افراد در قبال جامعه نیز یکسان نخواهد بود. بر این اساس، هرچه پیوند (فرد و جامعه) نزدیک‌تر باشد، روابط متقابل قوی‌تر و حقوق و تکالیف دو طرف در قبال یکدیگر بیشتر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۵۲).

از اینجا می‌توان به هدف طرح آرمان‌شهر تمدنی دست یافت و آن برقراری پیوند مستحکم‌تر میان اعضای جامعه برای دستیابی به سعادت همگانی از طریق ارزش‌های مشترک، مشارکت و همیاری، تقسیم کار، تعیین حقوق و وظایف، و مدیریت سلسله‌مراتبی بر مدار شایستگی‌ها و توانایی‌هاست.

از منظر اندیشمندان اسلامی، جامعه آرمانی الگویی تمدنی است؛ زیرا امت فاضله از تجميع مدینه‌های فاضله حاصل می‌شود و هر مدینه فاضله باید از ظرفیت لازم برای به سعادت رساندن بشر در همه عرصه‌ها برخوردار

باشد. آرمان‌شهر تمدنی آیت‌الله مصباح یزدی نیز نمونه‌ای از این الگوی تمدنی است. تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که آرمان‌شهر تمدنی در اندیشه علامه مصباح چیست و دارای چه شاخص‌هایی است؟ ساختار مقاله بر محورهای ذیل تنظیم یافته است: مفاهیم (آرمان‌شهر و تمدن)؛ پیامدها (فواید و نواقص)؛ شروط (تعیین مراتب اهداف و مناسبات انسانی)؛ و شاخص‌های (نظری، عملی و راهبردی) آرمان‌شهر تمدنی.

۱. مفاهیم

۱-۱. چیستی آرمان‌شهر

بحث درباره آرمان‌شهر، در ذیل مباحث اخلاق اجتماعی و حقوق (که جزئی از حکمت عملی است) ارائه می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۲۲). این واژه در لغت‌نامه‌ها اغلب بر جامعه‌ای خیالی و آرمانی اطلاق می‌شود که در آن، نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکم‌فرماست و از هرگونه شر و بدی، از قبیل فقر و بدبختی، عاری است و افرادش به کمال علمی و عملی رسیده و از هوا و هوس رسته‌اند (سعادت و کلانتری، ۱۴۰۲، ص ۷۴؛ معین، ۱۳۸۶، ذیل واژه «آرمان‌شهر»). در اندیشه سیاسی اسلام از این واژه با تعبیری چون جامعه آرمانی، مدینه فاضله یا جامعه مبتنی بر فضیلت و قابل دستیابی در صورت اتحاد اراده‌ها و همیاری جمعی یاد می‌شود و در اندیشه سیاسی غرب تعبیر اتوپیا یا جامعه کاملاً خیالی (More, 2025) یا طرح غیرعملی برای بهبود اجتماعی (<https://merriam-webster.com>) و ناکجاآباد برای این واژه به کار می‌رود.

آرمان‌شهر در اصطلاح جامعه‌ای برین و والاست که در آن در سایه تعاون و همیاری مردم در یک نظام عادلانه، همه امور ارادی به‌طور مطلوب صورت می‌گیرد. آرمان‌شهر از نظر علامه مصباح جامعه‌ای است که افراد آن در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام می‌زنند و کوشش می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۷) سودای نیل به جامعه‌ای کامل و آرمانی و به‌دور از رنج و درد، سابقه پژوهشی طولانی در تاریخ دارد (ر.ک: زرین کوب، ۱۴۰۲). باین حال، آرمان‌شهرها با نگرش انتقادی به وضعیت موجود جامعه و ترسیم وضعیت مطلوب آن، به آینده‌ای روشن که در آن آزادی، عدالت، صلح و آسایش موج می‌زند، نظر دارند. در اندیشه سیاسی اسلام، ابونصر فارابی از پیشگامان طرح مدینه فاضله یا آرمان‌شهر بوده است.

۱-۲. چیستی تمدن

انسان ذاتاً نیازمند اجتماع مدنی است و «تمدن» (Civilization) - که بالاترین سطح اجتماع واحد مدنی است و مشخصه آن، مناطق شهری، روش‌های مشترک ارتباطی، زیرساخت‌های اداری و تقسیم کار است - مشتق از واژه «مدینه» است و «مدینه» به موضع اجتماعی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که در انواع صنایع و حرفه‌ها (و بسط معارف و ارزش‌ها) با یکدیگر همیاری دارند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱). «تمدن» در تعریفی ساده، وجه

تجسدیافتگی فرهنگ جامعه یا وجه ظاهری، بعد مادی و شکلی آن است و «فرهنگ» بنیاد نظری، بعد باطنی، اساس ارزشی - اخلاقی و روح حاکم بر تمدن است. از این‌رو «تمدن» متمایز از «فرهنگ» است؛ زیرا «تمدن» ناظر به شکل زندگی و «فرهنگ» ناظر به محتوای آن است. بر این اساس، تمدن اسلامی به تمدنی اطلاق می‌شود که محتوای اسلامی داشته باشد (مظاهری و صولتی، ۱۴۰۰، ص ۲۷-۴۰). واضح است که «محتوا» بر «شکل» نیز تأثیر می‌گذارد و صورتی خاص از تمدن بر اساس هر فرهنگ جلوه‌گر خواهد شد.

هر تمدن ناگزیر از سه مرحله متوالی «رشد»، «وقفه» و «زوال» عبور می‌کند (سوروکین، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲-۱۴۳). بر این اساس، تحقق یک تمدن فرع بر عدم ایستایی جامعه و پویا بودن آن است. جامعه حقیقتاً پویا جامعه‌ای است که مبانی و اصول و ارزش‌های آن بر حقایق مشترک تکوینی و فطری انسان‌ها استوار بوده و قادر باشد که با نظر به مقتضیات زمان و مکان و با وجود موانع متعدد به بازتولید نظام ارزشی و حقوقی مناسب بپردازد.

بنابراین، نه انتظار اینکه روزی همه جوامع از نظام ارزشی و فرهنگی واحدی برخوردار شوند انتظاری نامعقول است و نه سعی در راه ایجاد یک جامعه جهانی واحد تلاشی عبث و بیهوده خواهد بود. می‌توان توقع داشت و کوشید که آدیان [روزی] در اصول و کلیات ارزشی و فرهنگی اشتراک یابند و بدین طریق جامعه‌ای واحد پدید آورند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۷).

این اصول واحد و مشترک را که ماهیتاً فراتاریخی است، می‌توان در همه ادیان الهی، به‌ویژه دین مبین اسلام که کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان است، یافت (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۰).

در نگاه آیت‌الله مصباح یزدی، برخی از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن عبارت‌اند از: شهرنشینی و ثبات سرزمینی؛ تأمین نیازهای انسانی (نیازهای طبیعی)؛ امنیت؛ افزایش کیفیت زندگی (یا بهره‌وری و دستیابی به آرمان‌ها)؛ وحدت اجتماعی (عاطفی - احساسی، عقیدتی - اخلاقی، و حقوقی - اجرایی)؛ بهره‌گیری از منابع گوناگون مادی و معنوی؛ نظام‌سازی و غلبه گفتمانی (مظاهری و صولتی، ۱۴۰۰، ص ۲۷-۴۰)؛ تقسیم کار و تخصص‌یافتگی؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲-۱۳۳)؛ و نهایتاً نگرش نظام‌مند به مکتب اجتماعی و وجود یک نظام سیاسی مستقل (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶-۲۷).

۲. پیامدهای طرح آرمان‌شهر

۲-۱. فواید طرح آرمان‌شهر

الف) ایجاد شوق به اصلاح اجتماعی: ارائه این‌گونه طرح‌ها، اگرچه ممکن است به‌نحو کامل قابل اجرا نباشند، این فایده را دارد که پاره‌ای معایب جوامع موجود را روشن‌تر می‌سازند و برای اصلاح و بهبود آنها شوق و همت انسانی را تحریک می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۶)؛ برای مثال، انحرافات اجتماعی در جامعه

دینی ابتدا در بعد شناختی مردم رخ می‌دهند و با تغییر عقاید و ارزش‌های عمومی، تحولات اساسی در رفتار مردم پدید می‌آید. راه مقابله با این انحرافات نیز آگاهی‌بخشی جامعه درباره مبانی فکری و اهداف مکتبی نظام اجتماعی و ابزارهای دستیابی به اهداف و موانع وصول به اهداف است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳-۵۲).

ب) نمایش خط‌مشی کلی نظام‌ها: طرح‌های مربوط به آرمان‌شهر، در ارزیابی جوامع موجود نیز به اهل سیاست کمک می‌کند و نشان می‌دهد که اگر نظامات دیگر در جامعه استقرار یابد، کدام نتایج از آن حاصل می‌شود. برای مثال، حکومت‌های موروثی - با اینکه حاکمیت بر جامعه ذاتی هیچ فردی نیست - به وراثتی بودن حکومت نظر دارند. همچنین سکولارها قائل به جدایی دین از سیاست و حکومت و حداقلی بودن دین هستند؛ درحالی که این دو با یکدیگر پیوند دارند و دین اسلام در هر امر بشری که بار ارزشی دارد و مربوط به کمال‌نهایی اوست، نظریه دارد. همچنین نظریه‌های خبگانی، اریستوکراتیک و دموکراتیک، نافی حاکمیت بالذات خداوندند؛ حال آنکه حاکمیت ذاتی از آن مالک حقیقی انسان و جهان، یعنی خداوند است و حکومت بر مردم باید مأذون به اذن الهی باشد. نهایتاً حاکمیت دینی قرون وسطای مسیحی هیچ نقشی برای مردم قائل نیست؛ حال آنکه در فعلیت‌بخشی به حکومت و استمرار آن، مردم سهم بسزایی دارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۷-۲۰).

ج) نقد سازنده در باب جامعه سیاسی: در تعدادی از این طرح‌ها، هدف نقد جوامع موجود است و علاقه‌مندان به بهبود احوال انسانیت، آن را نوعی سازندگی تلقی می‌کنند، نه ویرانگری (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۶). برای مثال، اثرپذیری شدید جامعه دینی از فرهنگ غربی و مبانی آن و مقدس‌سازی آن، به گونه‌ای که کمترین انتقاد به اصول و مبانی این فرهنگ با هجمه شدید از سوی مدافعان آن و ترور شخصیت منتقدان همراه شود، یک نقص اساسی برای همه فعالان اجتماعی است؛ همان‌گونه که اثرپذیری از افکار اکثریت مسلمانان به جای اثرپذیری از خط اصیل اسلام، یعنی کتاب خدا و معصومین علیهم‌السلام، نیز یک نقص به‌شمار می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۹-۶۶).

۲-۲. نواقص احتمالی طرح آرمان‌شهر

برخی از اندیشمندان اجتماعی، طرح جامعه آرمانی و ارائه آن را گونه‌ای خیال‌پردازی تلقی می‌کنند و بر این باورند که این ایده‌های ناکجاآباد هرگز آن گونه که به تصور درآمده‌اند، به حقیقت نمی‌پیوندند. افزون‌براین، چنین طرح‌هایی زبان‌بارند؛ زیرا با کاهش واقع‌بینی انسان‌ها، آنها را از نتایج مورد انتظار و مطلوب عمل اجتماعی غافل می‌کنند. چنین طرح‌هایی فاصله میان دنیای آینده و دنیای حال را نشان نمی‌دهند و نیز چگونگی تحول از یک مدینه به مدینه دیگر را بیان نمی‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۴). این در حالی است که طرح آرمان‌شهر با رعایت شروطی، از این نواقص بری خواهد شد

۲-۳. شروط عینی شدن آرمان‌شهر

آرمان‌شهر تمدنی الزاماً طرحی خیال‌پردازانه نیست؛ بلکه ممکن است با رویکردی واقع‌بینانه و نگرشی راهبردی،

اهدافی آرمانی را مورد توجه قرار داده باشد. بر این اساس، تحقق و عینیت یافتن آرمان‌شهر منوط به رعایت شروطی در ترسیم آن است: نخست باید واقع‌بینانه باشد و حقایق زیستی، روانی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد؛ دوم باید توأم با ارائه طریق باشد؛ یعنی راه رسیدن به جامعه آرمانی را نشان دهد و سوم باید سلسله‌مراتبی از اهداف (اصلی و میانی) را برای جامعه آرمانی تعیین کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۴-۴۵۵).

۳. گام نخست: تعیین مراتب اهداف

تعیین هدف، گام نخست برای مهندسی جامعه آرمانی و تمدنی است. از این منظر، جامعه آرمانی و مطلوب جامعه‌ای است که افرادش با بهره‌مندی از عقاید، اخلاق و اعمال موافق با تعالیم و احکام اسلامی و با اشتراک مساعی در امور مادی و معنوی، در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام برمی‌دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۷). چنین جامعه‌ای، از آنجاکه در قالب امت و در گستره تمدنی قابل تحقق است، می‌تواند با رویکرد تمدنی مورد تبیین قرار گیرد.

برای ترسیم چنین جامعه‌ای، افزون بر هدف کلی، باید سلسله‌مراتب اهداف (اصلی و غایی و نیز میانی یا متوسط) را تعیین کنیم؛ زیرا هر عمل عقلایی باید هدفی داشته باشد. با تعیین مراتب اهداف، هدف فعالیت‌های اجتماعی معین و معلوم می‌شود. برخی از مراتب اهداف باید سهل الوصول باشند تا اولاً مردم به ادامه همراهی با نظام سیاسی و اصلاح اجتماعی ترغیب شوند؛ ثانیاً دریابند که پیشرفت‌های حاصل شده دستیابی به کمال مطلوب را امکان‌پذیرتر می‌سازند. فقط هنگامی که حداقل طراحی اهداف و جامعه مطلوب صورت گرفته باشد، «می‌توانیم به سنجش بهترین راه‌ها و وسایل تحقق غایت نهایی پردازیم و نقشه‌ای برای اقدامات عملی تهیه کنیم» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۵).

غایت هر آرمان‌شهر تعیین‌کننده ارزش‌های آن خواهد بود و اهمیت ارزش‌ها نیز به اهمیت غایت آن وابسته است. از دیدگاه اسلام، ارزش‌ها از کیفیت رابطه رفتار انسان با هدف نهایی به‌دست می‌آیند؛ یعنی عملی ارزش حقیقی دارد که در راستای هدف نهایی انسان باشد. ارزش‌ها پل ارتباطی بین وضع موجود انسان و وضع مطلوب و آرمانی او هستند. این یک واقعیت است و تابع هیچ قراردادی هم نیست؛ پس برای پی بردن به ارزش انسانی و کمال او باید موقعیت انسان، مقصد و هدف نهایی او را بشناسیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۷).

هدف اصلی آرمان‌شهر تمدنی، به کمال رسیدن حقیقی انسان‌ها از طریق اطاعت ارادی از اوامر و نواهی الهی و تقرب به اوست. اهداف میانی نیز تمامی اهدافی هستند که فرد و جامعه را به سمت هدف اصلی سوق می‌دهند؛ همچون عدالت، امنیت، پیشرفت و...؛ و نهایتاً هدف حداقلی، عدم عصبان و مخالفت علنی با احکام و دستورهای الهی است. «مراتب والا تر از این حد، در گرو میزان موفقیت نظام آموزشی و پرورشی جامعه و مقدار همت و اراده خود افراد خواهد بود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۶).

۴. گام دوم: مناسبات چهارگانه آرمان شهر تمدنی

از آنجاکه روابط چهارگانه‌ای بر زندگی انسان حاکم است و آن عبارت است از رابطه انسان با خداوند، با خود، با طبیعت و با دیگران، آرمان شهر تمدنی نیز از این ارتباطات چهارگانه عاری نیست.

۴-۱. ارتباط فرد با خداوند متعال

اعتقاد به وحدانیت خداوندی که خالق انسان و جهان هستی است و سررشته همه امور به‌دست اوست، از مؤلفه‌های اصلی جامعه آرمانی است. در این جامعه، خداوند به‌مثابه مبدأ اصلی وجود و غایت سیر حرکت هر موجود، و انسان به‌مثابه مخلوق الهی که امکان حرکت ارادی برای تقرب به خداوند را دارد، شناخته می‌شوند. انسان ورای تحولات ظاهری و دنیوی، در حرکتی مستمر از مبدائی الهی به‌سوی مقصدی الهی است و فلسفه وجودی‌اش صیورت از رحمت عام الهی به‌سمت رحمت خاص الهی است. از این رو نمی‌تواند این ارتباط اصیل و اساسی را نادیده انگارد. «غرض از همه امور فردی و اجتماعی زندگی، ارتباط هرچه نزدیک‌تر و استوارتر میان انسان و خدای متعال است. این غرض و مقصود باید همواره ملحوظ باشد و همه افعال در جهت نیل به آن تنظیم شود» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۹).

۴-۲. ارتباط فرد با خود

در جامعه آرمانی، حق انسان درباره جوارح و جوانح خویش با تکلیف به رعایت حدود الهی همراه است. از این رو هر فرد جسم و جان و دارایی‌های خود را امانت الهی می‌داند. بر این اساس، به‌عنوان امین الهی حق خود را در زمینه تصرف در این امور، با مشخص ساختن محدوده این تصرف بر مبنای احکام و قوانین الهی هماهنگ می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۵۹؛ و ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۶). خودفراموشی با فراموشی غایت زندگی و ابزار نیل به آن همراه خواهد بود و چنین امری انسانیت انسان را به مخاطره می‌اندازد. این در حالی است که خودشناسی راهی به‌سوی خداشناسی است.

۴-۳. ارتباط فرد با طبیعت

در آرمان شهر تمدنی، هر فرد حفظ محیط زیست را به‌مثابه وظیفه‌ای الهی - انسانی تلقی می‌کند. به عبارت دیگر، هر فرد در مواجهه با نظام طبیعت، خود را هم امانت‌دار الهی و هم خلیفه الهی می‌بیند و برای اینکه از عهده این دو امر خطیر به‌خوبی برآید، هم احکام و تعالیم الهی مربوط به این زمینه و هم علوم و فنون ذی‌ربط را هرچه بیشتر و بهتر فرا می‌گیرد؛ همچنین می‌کوشد که از یک‌سو با عمران و آبادی زمینه رشد و کمال موجودات طبیعی به‌خوبی فراهم شود و از سوی دیگر مانع تضییع طبیعت و اتلاف‌ها و اسراف و تبذیرها در قبال آن گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۰).

۴-۴. ارتباط فرد با انسان‌های دیگر

در جامعه آرمانی تمدنی، انسان‌ها در تلاش‌اند تا مناسبات، روابط و رفتار اجتماعی خویش را بر پایه نیکوکاری

یا احسان و محبت، و نیز تعامل با دیگران را بر پایه عدالت و انصاف استوار سازند. در نتیجه، هر فرد به مقتضای اصل «قسط و عدالت»، در همه انحاء روابط خود، حقوق و تکالیف خود و دیگران را همواره ملحوظ می‌دارد و در مقام عمل رعایت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۰).

۴-۴-۱. ارتباط با دیگران در قالب نهاد خانواده

روابط اجتماعی و ارتباطات هر فرد با دیگر افراد جامعه، اغلب در چهارچوب نهادهای اجتماعی صورت می‌پذیرد. نخستین نهاد و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، «خانواده» (متشکل از دست‌کم یک مرد و زن) است. در آرمان‌شهر تمدنی، هم تشکیل خانواده به شدت مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد و هم تلاش می‌شود که این واحد اجتماعی چنان شکل گیرد که همه اهداف مورد نظر را به بهترین وجه محقق سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۰).

۴-۴-۲. در نهاد اقتصاد

نهاد بعدی، «اقتصاد» است. در جامعه آرمانی تمدنی، همه علوم و معارف و فنون و صنایعی که به کار بهبود بخشیدن به فعالیت‌های (مثبت و مفید) اقتصادی افراد می‌آیند، اشاعه و ترویج می‌شوند و در آن، اهداف کلان رفتار اقتصادی یک جامعه تعیین می‌شود. پس از آن، نوبت به ارائه راهبردها و برنامه‌های اجرایی و مانند آن می‌رسد (مظاهری و صولتی، ۱۴۰۰، ص ۴۰-۳۷).

۴-۴-۳. در نهاد سیاست و حکومت

سومین نهاد، سیاست و حکومت است. در آرمان‌شهر تمدنی، شایسته‌سالاری بر حسب سطوح علم، اخلاق و عمل، اساس تصدی مناصب حکومتی است. بنابراین، رهبر جامعه بر اساس معیارهای فوق، آگاه‌ترین، مؤمن‌ترین، متعبدترین، متقی‌ترین و عادل‌ترین فرد جامعه خواهد بود. تحقق مطلوب نهاد حکومت و سیاست، تأثیری عظیم بر سایر نهادها دارد و باعث می‌شود تا نهادهای دیگر نیز به نحو احسن شکل گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۱).

۴-۴-۴. در نهاد حقوق

نهاد چهارم، نهاد حقوق است. جامعه آرمانی تمدنی بدون وجود قوانینی که ضامن سعادت مادی و معنوی انسان بوده و از وحی الهی سرچشمه گرفته باشد، تحقق نمی‌یابد. در نهاد حقوقی، فقیهان مؤمن و متعهد با نظر به مقتضیات زمان و مکان و به‌روشنی اجتهادی، از مجموعه اصول شریعت قوانینی عادلانه و روزآمد در باب سیاست داخلی و خارجی استنباط می‌کنند. برآیند این نهاد، تشکیل نظام حقوقی کاملاً عادلانه‌ای است که قادر است حقوق و تکالیف اجتماعی افراد را معین سازد و اختلافات و منازعات آنان را حل و فصل کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۱).

۴-۴-۵. در نهاد آموزش و پرورش

نهاد پنجم، آموزش و پرورش است. در آرمان‌شهر تمدنی، مهم‌ترین وظایف این نهاد، افزون بر تشریح قواعد روابط هر فرد با خدا، خود، طبیعت و دیگران، القای معارف و قواعد اخلاقی و اجتماعی به هر فرد است. این نهاد فرد را به گونه‌ای تربیت می‌کند که حقوق و تکالیف اجتماعی را محترم بشمارد و در مقام عمل زیر پا نگذارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۲).

بخشی دیگر از وظایف نهاد آموزش و پرورش در آرمان‌شهر تمدنی، تعلیم علوم و معارف، فنون و صنایع، و حرفه‌هایی است که برای رفع نیازمندی‌های مادی و اقتصادی جامعه ضرورت و لزوم دارند. آموزش و پرورش در این آرمان‌شهر جنبه‌ای عمومی و همگانی دارد؛ زیرا هر فرد، افزون بر تأمل در منافع شخصی خود، به تعالی انسان‌های دیگر نیز اهتمام دارد و خود را در قبال آنها مسئول می‌داند. در نتیجه، آرمان‌شهر تمدنی مجموعه‌ای متشکل از افراد آگاه، مؤمن، متعبد، متقی و عادل خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۴).

۴-۴-۶. در نهاد جهاد و دفاع

یکی دیگر از نهادهای آرمان‌شهر تمدنی، نهاد جهاد و دفاع است. صلح و امنیت پایدار، یکی از مهم‌ترین اهداف آرمان‌شهر تمدنی است؛ اما این هدف با وجود دشمنان نگرش توحیدی جامعه محقق نخواهد شد؛ جز آنکه اهل ایمان و عمل صالح به مبارزه با این دشمنان برخیزند و برای رضای حق تعالی به دفاع از وجود خود و متعلقات خویش بپردازند و از ایثار جان دریغ نورزند و به تجهیز جامعه به انواع علم و فن و سلاح مبادرت کنند. «با این آمادگی جامع و کامل، جامعه آرمانی از هرگونه خوف و ترسی پاک و پیراسته است؛ چراکه هیچ دشمن خارجی جرئت تجاوز و تعدی به آن را ندارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۴۶۵).

۴-۵. تأملی در نوع پنجم از روابط انسانی

به‌رغم تأیید و تبیین مناسبات چهارگانه، به‌نظر می‌رسد که نوع دیگری نیز از مناسبات وجود دارد که میان هر انسان و مصنوعات خود او یا مصنوعات دیگران برقرار است. این نوع از روابط با گستره عظیمی از مباحث حقیقی، همچون تولید کالا، و مباحث اعتباری، همچون خلق زبان و مفاهیم، همراه است. معمولاً انسان‌ها به مصنوعات و محصولات خود علاقه نشان می‌دهند؛ اما درباره مصنوعات دیگران، گاه با تردید، گاهی با طرد و گاهی نیز با شیفتگی و اقتباس مواجه می‌شوند. این نوع مواجهه، در حوزه محصولات تمدنی نیز کاملاً هویداست.

در جامعه آرمانی، همه مصنوعات بشری بر اساس منافع و مصالح عالیّه انسانی و الهی سنجیده می‌شوند و چنانچه مفسده‌ای قطعی بر تولید این مصنوعات مترتب شود، فاقد ارزش و اعتبار خواهند بود.

۵. گام سوم: شاخص‌های آرمان‌شهر تمدنی

۵-۱. شاخص‌های نظری

۵-۱-۱. ابتدای آرمان‌شهر تمدنی بر استخلاف و امانت الهی، نه مالکیت یا سلطه و سود

اراده خداوند از خلق انسان بر روی زمین، استخلاف و اعطای امانت بوده است و انسان از حیث تکوین با پذیرش مقام خلافت و دریافت امانت، تناسب و سازگاری داشت. پس انسان در تکوین تاریخی خود، از مقام خلافت برخوردار بوده و این مقام دارای چهار رکن اصلی است: الف) مستخلف، که همان خداوند سبحان است؛ ب) مستخلف، که در اینجا انسان است؛ البته همه انسان‌ها شایستگی مقام خلافت را ندارند؛ بلکه انسان‌های صالح و عالم به اسما و صفات الهی برای تحقق این مقام از شایستگی لازم برخوردارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ ب، ص ۸۴-۸۶)؛ ج) مستخلف‌فیه، که زمین یا جهان طبیعت است؛ د) مستخلف‌به، که عبارت است از حفظ امانت الهی (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ ب، ص ۸۱).

در جوامع مادی‌گرای غربی روابط اجتماعی دارای سه رکن است: انسان، زمین، سلطه یا سود (حکیم، ۱۳۹۴ ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۵). همه چیز از انسان (خودبسنده) آغاز می‌شود و روابط اجتماعی بر پایه مالکیت، سلطه و سود ترسیم و تفسیر می‌گردد. در این رویکرد، وجود مستخلف، یعنی خداوند، و نیز غرض او از آفرینش انسان و اعطای مسئولیت حفظ امانت (مستخلف‌به) نادیده انگاشته، بلکه طرد شده است.

این در حالی است که در جوامع دینی و معنوی، همه چیز از خدا (واجب‌الوجود بالذات) آغاز می‌شود و مهم‌ترین شاخص معنویت، تنظیم روابط انسانی بر پایه استخلاف است. از این‌رو روابط انسان با خدا، با خود یا شئون و وجودی خود (حکیم، ۱۳۹۴ ج ۲، ص ۲۶)، با طبیعت و با هم‌نوعان خویش، بر مدار «استخلاف» تعریف می‌شود. وجود رکن چهارم، یعنی «خداوند» (مستخلف) در جامعه معنوی، صرفاً اضافه عددی نیست؛ بلکه فارق جوهری میان مدنیت مبتنی بر خلافت و امانت الهی و مدنیت مادی مبتنی بر مالکیت، سلطه و سود است (حکیم، ۱۳۹۴ ج ۱، ص ۱۹۵). انسان در این رویکرد تمدنی، هم از منظر هستی‌شناختی بر سایر حیوانات برتری دارد (کرامت‌تکوینی) و هم از منظر اخلاقی از این ظرفیت برخوردار است که با تصحیح روابط چهارگانه (کرامت اکتسابی)، نه تنها بر حیوانات، بلکه حتی بر فرشتگان الهی نیز برتری یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ ب، ص ۸۷-۹۶). این روابط بر پایه دین اسلام، که مقوم حیات و مهیمن و مسلط بر روابط حیاتی انسان می‌باشد، تنظیم یافته است.

۵-۱-۲. تبعیت از اراده تشریعی خالق هستی و قوانین الهی (نه اراده بشری و قوانین عرفی)

انسان از جهت وجود، عین‌الربط به خالق هستی است و از جهت تدبیر، تحت اراده و ربوبیت تشریعی اوست. دستیابی به سعادت مادی و معنوی، در پرتو حقوق و تکالیف تعیین‌شده از سوی خداوند امکان‌پذیر است و از این‌رو حق

قانون‌گذاری مختص به خداوند است. اسلام طرفدار قانون بیشتر و هدایت در جمیع شئون بشری است و ریشه اعتبار قوانین به مالک حقیقی موجودات برمی‌گردد و اوست که حق قانون‌گذاری در جمیع موارد لازم را دارد (به‌خلاف لیبرالیسم که حامی قوانین حداقلی اعتباریافته بر پایه تمایلات انسانی است) (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۷)

۳-۱-۵. توجه توأمان به نیازهای طبیعی و فطری انسان (نه صرف نیازهای طبیعی و مادی)

انسان‌مداری یا اومانیزم در مکتب لیبرالیسم، انسان را به من طبیعی محدود می‌کند و فقط به بعد مادی و حقوق طبیعی وی می‌پردازد. خلق ارزش‌ها، وضع قوانین و تعیین سرنوشت، از سوی انسانی صورت می‌گیرد که صرفاً به همین بعد مادی توجه دارد و اخلاق و دین از عرصه‌های زندگی طرد می‌شود. نتیجه چنین نگرشی، به حاشیه رانده شدن دین و بروز سکولاریسم در نظامات اجتماعی است. این در حالی است که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است. «روح» حقیقت انسان و «بدن مادی» مرکب آن است. بر این اساس، اصالت روح و امور روحانی و تقدم آن بر بدن و امور مادی، در تمامی گستره حیات فردی و اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد و اسلام خواهان چنین امری است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۶).

۴-۱-۵. وجود دولت حق‌گرای دینی برای اجرای قوانین الهی (نه دولت سکولار)

تحقق اراده تشریعی الهی در جامعه، نیازمند تشکیلاتی منسجم با کادر رهبری قوی از انسان‌های شایسته‌ای است که افزون بر شناخت دستورهای الهی قادر به اجرای آنها در جامعه با یاری مردم و تدبیر و هدایت امور با انگیزه الهی باشند. از این‌رو دولت مشروع دینی، دولت نخبگان شایسته‌ای است که در کنار اهتمام به اعتلای جامعه، جلوگیری از گسترش فساد تا حد ممکن، خدمت به عموم مردم، و هدایت آنها به‌سوی صلاح و کمال، در بینش دارای تفکر توحیدی، در گرایش دارای انگیزه الهی و معنوی و در کنش دارای سیره و رفتار صالحانه‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۷۲-۷۳).

۵-۱-۵. تعالی بخشی مادی و معنوی؛ کارویژه دولت (نه صرفاً تأمین رفاه)

در آرمان‌شهر تمدنی، غایت دولت تأمین مصالح مادی و معنوی است که از طریق تعالی بخشی به امور مادی در پرتو امور معنوی - دینی و فضیلت‌گرایی اخلاقی حاصل می‌شود. حفاظت از جان، مال و ناموس و گسترش رفاه از یک‌سو و نشر فضایل و تعالی معنوی و اخلاقی فرد و جامعه از سوی دیگر جزء کارویژه‌های دولت در این آرمان‌شهر است. «در موارد تعارض، حقوق جامعه بر فرد مقدم می‌شود و جانب فضیلت بر جانب رفاه و مادیت رجحان می‌یابد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۸).

۲-۵. شاخص‌های عملی

۱-۲-۵. مردم‌سالاری دینی بر محور حقایق دین (نه فریبکاری و کتمان حقیقت)

برخلاف دموکراسی‌های غربی، اساس آرمان‌شهر تمدنی بر پایه صداقت و درست‌کاری است؛ از این‌رو حقایق

دین بدون تحریف و کتمان به سمع و نظر مردم رسانده می‌شود و آنان با درک درست از حقایق دین به ارزیابی عملکرد مسئولان خویش می‌پردازند و آگاهانه و با اراده آزاد، مسئولان جامعه را انتخاب می‌کنند. این در حالی است که در بسیاری از جوامع، مردم سالاری بر پایه ترس، تهدید، تطمیع و اغوای افکار عمومی صورت می‌گیرد و برخی از نهادهای دینی هم در قبال دریافت کمک‌های ناچیز مالی از دولت‌ها حقایق را نادیده می‌انگارند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۱۴). پنهان‌سازی حقایق دین بسیار خسارت‌بار است و از نتایج مهم آن این است که مردم گمراه می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵). برای مقابله با انحرافات فکری در جامعه باید بدون هراس از تبلیغات مخالفان اسلام به بازشناسی اندیشه و ارزش‌های دین پرداخت و آن را با صراحت برای مردم تبیین کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳).

۲-۵. هم‌گرایی جامعه با هدف غایی مشترک (نه واگرایی و وادادگی)

رکن تشکیل زندگی اجتماعی و مدنی یا تحقق تمدن، پابندی به تعهداتی است که افراد اجتماع در قبال یکدیگر دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۵۲۳). در آرمان‌شهر تمدنی، افراد جامعه همسویی خود را با هدف غایی جامعه که عبودیت حق تعالی است، در سخن و عمل نشان می‌دهند و در راستای وصول جامعه به آن هدف، با یکدیگر هم‌گرایی و هم‌افزایی دارند. از این رو «به همه احترام گذاشته می‌شود تا روابط اجتماعی محکم و استوار و احساس محبت و همدردی و تعاون، در میان همه اعضای جامعه برقرار گردد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۲۲).

۳-۵. برقراری امنیت فراگیر در جامعه (نه امنیت حداقلی)

برای رسیدن هر جامعه‌ای به هدف نهایی خود باید دست‌کم در چهار محور مهم، امنیت بر جامعه حاکم باشد و نیازهای آن جامعه در این محورها تأمین شود:

الف) بهداشت و امنیت جسم و جان: در مرحله اول، در جامعه باید شرایط به‌گونه‌ای فراهم شود که امنیت جانی وجود داشته باشد و افراد بتوانند با سلامت و عافیت به زندگی خود ادامه دهند. هر آنچه موجب حفظ حیات انسان‌ها توأم با عافیت شود، «مصلحت» و هر آنچه جان مردم و سلامت آنها را به‌خطر اندازد، «فساد» شمرده خواهد شد.

ب) رعایت حقوق مالی و امنیت اموال: کسانی که با زحمت و تلاش مشروع در پی کسب مال حلال‌اند، باید با خاطری آسوده به حق خود و منفعتی که لازمه آن تلاش است، نائل شوند و به اموال آنها تعدی و تجاوز نشود.

ج) حفظ حریم روابط جنسی و امنیت خانواده: انسان به‌حسب فطرت خدادادی و نیز بر اساس فرهنگ الهی و اسلامی، آرامش زندگی خود را مرهون زندگی خانوادگی سالم می‌داند. در صورت به‌خطر افتادن این آرامش به‌سبب گسترش روابط نامعقول و ناصحیح جنسی، جامعه به سعادت نخواهد رسید (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

(د) حفظ کرامت و امنیت حیثیت افراد: در این مرحله نیز مسئله امنیت آبرو و حیثیت افراد مطرح است و آنچه به حیثیت و آبروی انسان‌ها لطمه زند و آنها را از چشم مردم بیندازد، نوعی فساد است و باید از آن اجتناب شود.

(ه) امنیت و سلامت محیط اجتماعی دینی: تأمین تمام نیازهای طبیعی انسان مقدمه‌ای برای برقراری ارتباط حقیقی با خدا و تقویت آن است. حتی اگر در صورت تأمین تمام آن اهداف و مصلحت‌های مقدماتی، این هدف عالی به خطر افتد، همچنان هدف نهایی تحقق پیدا نکرده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

۴-۲-۵. آزادی قاعده‌مند در چهارچوب اخلاق و شریعت (نه آزادی مطلق)

محدودیت دنیای مادی، جامعه بشری و ساختار وجودی انسان گواهی بر محدود بودن آزادی انسان است. تعیین حدود آزادی باید بر پایه غایت زندگی انسان مشخص شود. از آنجاکه غایت حیات انسان سعادت مادی و معنوی است و فضیلت و شریعت ابزارهای نیل به سعادت‌اند، پس آزادی باید در چهارچوب فضیلت و احکام شریعت تعریف شود.

در تفکر الهی و دینی، آزادی بیان محدود است...؛ نوشتن یا طرح بعضی از مطالب در اسلام ممنوع است و خرید و فروش نوشتجات گمراه‌کننده حرام است؛ دشنام دادن به مقدسات دینی و چهارده معصوم علیهم‌السلام در اسلام از تعرض به مال و ناموس و جان افراد، گناهش بزرگ‌تر است و لذا باید با آن برخورد کرد و آن شخص را مجازات نمود. یکی از مسائل مورد اختلاف ما با غربی‌ها امروز بر سر مواردی مثل توهین سلمان رشدی به مقدسات دینی است. ریشه اختلاف به این دو طرز تفکر و دیدگاه نسبت به انسان و آزادی‌های قانونی بازمی‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۷).

۵-۲-۵. مدارا در چهارچوب قوانین الهی (نه مطلق و پلورالیستی)

در آرمان‌شهر تمدنی، اگرچه مدارا با مردم یک اصل محوری است، اما این مدارا به‌نحو اطلاقی و پلورالیستی نیست. اساساً در این رویکرد، تساهل در باب مبانی عقیدتی، اصول اخلاقی و قوانین الهی پذیرفته نیست و مدارا در چهارچوب احکام الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۸).

۶-۲-۵. تنظیم دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر پایه معنویت (نه نفع و ضرر مادی)

روابط اجتماعی در آرمان‌شهر تمدنی، رنگ الهی، معنوی و اخلاقی دارد؛ از این‌رو دوستی و دشمنی افراد برای رضای خداست، نه منفعت و ضرر مادی. اساساً دوستی بر پایه نفع و ضرر مادی، برای اسلام و مسلمین زبان‌بار است (مصباح یزدی، ۱۳۹۹، ص ۳۳۲). ارتباط معنوی صمیمانه با امام جامعه - که انسان کامل الهی است - و اطاعت‌پذیری از او در حیات فردی و اجتماعی، افراد جامعه را در برابر نفوذ شیاطین، اشرار و مفسدین ضمانت کرده، از آسیب‌ها حفظ می‌کند. «توسل واقعی به آن منبع قدرت و معنویت، سد محکمی است که ما را در مقابل جمیع وسوسه‌های شیطانی و آفت‌های دنیایی و آخرتی مصون و محفوظ نگاه می‌دارد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۱۴۴).

۵-۳. شاخص‌های راهبردی

۵-۳-۱. رشد همه‌جانبه و متعادل (نه رشد تک‌بعدی و نامتوازن)

تعالی و رشد فرد و جامعه در گرو پیمودن فرایند رشد آن دو در همه ابعاد و ساحات است. رشد تک‌بعدی، نه مطلوب و نه راهگشاست. از این‌رو آرمان‌شهر تمدنی هم باید از رشدی فراگیر و متوازن در همه ساحات زندگی برخوردار باشد. این رشد (معنوی) در یک بعد است و باید در کنار آن، جنبه‌های دیگر نیز رشد کند تا کمالات انسانی موزون و متعادل شود. دل و ذهن و عقل و قلب باید به‌گونه هماهنگ تعالی یابند. خداپرستی نباید تنها در سجده دیده شود؛ بلکه باید در تمامی فضاها، اجتماعی، معاشرت‌ها، تربیت‌ها، مناسبات انسانی و مسئولیت‌ها پررنگ باشد. رشد معنوی با وظایف اجتماعی در تضاد نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۳۶).

۵-۳-۲. پایه بودن مصالح معنوی برای انسجام اجتماعی (نه منافع مشترک مادی)

برداشت مشترک اعضای آرمان‌شهر از سعادت حقیقی و راه‌های وصول به آن سبب می‌شود که آنها هر آنچه در راستای سعادت است، به‌مثابه «مصلحت» پذیرا باشند و همین مصلحت‌های مشترک معنوی به‌نوبه خود زمینه‌ساز وحدت و انسجام اجتماعی بر پایه برادری و محبت خواهند شد. «ارزش همبستگی‌های اجتماعی وابسته به این است که به‌دنبال هدف صحیح به‌وجود بیایند و برای تأمین مصالح معنوی مشترک مفید باشند. در غیر این صورت، هرچند از جهت مادی مفید باشند، اما به‌لحاظ معنوی زیان‌بار است و پشیمانی می‌آورد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۱۰۷)

۵-۳-۳. مقاومت در برابر تهدیدات و تطمیع‌ها با کمک قدرت ایمان (نه سستی و سازش)

جامعه آرمانی تمدنی جامعه‌ای مقاوم در برابر انواع موانع، آسیب‌ها، فشارها و تهدیدات داخلی و خارجی است و تسلیم‌ناپذیر است؛ زیرا بر پایه ایمان و عمل صالح شکل گرفته است. این دو امر در استحکام درونی افراد جهت تداوم مسیر و دفاع از هویت و استقلال جامعه بسیار مؤثرند. پس «برای اینکه بتوانیم در مقابل تهدیدها و تطمیع‌ها مقاومت کنیم، باید ایمان خود را تقویت کنیم... ایمان با عمل و تلقین تقویت می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹).

۵-۳-۴. اصلاح اجتماعی بر مدار معرفت دینی معتبر و جامع (نه بر پایه قرائت نسبی‌گرا از دین)

در آرمان‌شهر تمدنی، هرگونه مبارزه با مفسدات اجتماعی و اصلاح امور باید بر مبنای معرفتی واحد و قرائتی معتبر و جامع از دین صورت گیرد؛ دینی که به‌نوبه خود به شرایط محیطی حاکم بر پدیده‌ها نظر دارد و زمینه صدور احکام در امور متغیر را بر اساس روش اجتهادی فراهم ساخته است. بدیهی است که فهم فرعونی یا قرائت استکباری از اصلاح و افساد که بر پایه پلورالیسم و نسبی‌گرایی است، به‌هیچ‌وجه پذیرفته نیست؛ زیرا چنین قرائتی با روح دین سازگار نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱-۱۰۸).

مصلحان اجتماعی نیز به‌رغم توجه به اقتضائات زمانه و شرایط محیطی حاکم بر جامعه، خالصانه و مؤمنانه تکلیف شرعی خود را تشخیص می‌دهند و بر اساس آن عمل می‌کنند.

اینان وقتی احساس وظیفه کردند، از سرزنش دشمنان و دوستان ناآگاه دلسرد نمی‌شوند؛ هنگامی که تشخیص دادند باید به میدان نبرد با ناروایی‌ها بیایند، با تمامی توان، خالصانه و عاشقانه، تا سرحد شهادت می‌کوشند و بر این تلاش‌ها افتخار می‌کنند؛ تمام هم‌تشان این است که دین را زنده نگه دارند و در این راستا خود را در میان نمی‌بینند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۴۲).

۵-۳-۵. معادباوری و شهادت‌طلبی (نه دنیازدگی و راحت‌طلبی)

اغلب اعضای آرمان‌شهر تمدنی، نه رفاه‌طلب‌اند و نه به مطامع دنیوی دل بسته‌اند؛ نورانیت حاصل از ایمان و عمل صالح، آنان را به مسائل معنوی و تقرب الهی مشتاق‌تر ساخته است؛ از این‌رو دل به ملاقات حق تعالی و پاداش او دارند؛ هرچند در اعتلای مادی و معنوی جامعه از هیچ‌گونه اقدام دارای مصلحتی دریغ نخواهند کرد.

چنین انسانی به دستاوردهای دنیایی بی‌اعتناست و حتی از لذت‌های دنیوی دل‌خوشی ندارد؛ بلکه همواره مشتاق پرواز از این قفس است؛ زیرا جهانی را شناخته و دیده است که سرشار از بهجت و سرور و لذت وصف‌ناپذیر است. دنیای فانی برای او بسیار تنگ است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ ج، ص ۵۷).

۵-۳-۶. تکریم و پاسداشت شعائر الهی (نه سنت‌های جاهلی)

در آرمان‌شهر تمدنی، مردم و مسئولان اهتمام جدی به احیا و نشر ارزش‌های الهی دارند؛ از این‌رو تکریم و پاسداشت شعائر الهی که در قالب مناسک اجتماعی دین و تکریم ایامی خاص جلوه‌گر می‌شود، برای آنها اهمیتی اساسی دارد. این در حالی است که برخی نیز تلاش دارند که با تغییر ارزش‌های الهی زمینه تحول حاکمیت دینی به نفع حاکمیت جاهلی را فراهم سازند. از این روست که:

برخی زمان‌ها و مکان‌ها در دین اسلام از اعتبار و ارزش ویژه برخوردارند. توجه و احترام به نمادها و شعائر این ایام و اماکن [مقدس] از شاخص‌های جامعه معنوی است. سر این امر که بر بزرگداشت شعائر مذهبی تأکید گردیده، همین است که مردم با دیدن آنها به یاد خدا می‌افتند... کسانی که به بزرگداشت شعائر در جامعه کمک می‌کنند، در حقیقت به زنده نگاه داشتن یاد خدا کمک می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۹ الف، ص ۱۰۳).

۵-۳-۷. مسئولیت‌پذیری جمعی و نظارت همگانی (نه بی‌تفاوتی اجتماعی و مسئولیت‌ناپذیری جمعی)

جامعه آرمانی تمدنی جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر است و همه اعضای آن در جهت بهبود امور با یکدیگر همکاری دارند و در تشخیص مصادیق «خیر و معروف» و نیز «شر و منکر»، چه در امور مادی و چه در امور معنوی، به یکدیگر کمک می‌کنند. از این‌رو:

از دیدگاه اسلام... همه مردم در برابر یکدیگر مسئولیت دارند؛ هم باید نیازمندی‌های ضروری یکدیگر را تأمین کنند و هم نظارت مستمر داشته باشند تا فساد در عرصه اخلاق و معنویت رایج نشود؛ و اگر کسانی به چنین فساد ی گرفتار شدند، آنها را معالجه کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

۸-۳-۵. محرومیت‌زدایی و مبارزه با اسراف (نه اسراف‌کاری و اشرافیگری)

همواره در جوامع افرادی هستند که با روحیه اشرافیگری به اسراف در استفاده از منابع حیاتی جامعه مبادرت می‌ورزند. آرمان‌شهر تمدنی، نه تنها باید از این خصیصه بری باشد، بلکه باید تلاش کند که این منابع تا حد امکان در اختیار اقشار محروم و مستضعف جامعه قرار گیرد.

انسان‌ها با... اسراف و تبذیر، از یکسو خودشان را از بهره‌بری کامل از نعمت عقل و دل و سایر نعمت‌های روحی و حکمت و معرفت و معنویت محروم می‌سازند و از سوی دیگر سبب محروم شدن دیگران از همین نعمت‌های مادی برای حداقل تغذیه و تأمین نیازهای جسمی برای ادامه زندگی و کسب سلامتی و نیرو می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۰۱).

۹-۳-۵. آزادی معنوی اجتماعی (نه اسارت هواهای نفسانی جمعی)

روح منفعت‌طلب و لذت‌گرای فردی که زمینه‌ساز بردگی انسان در مقابل هواهای نفسانی می‌شود، باید به واسطه خردورزی و معناگرایی مهار شود و آزادی معنوی که حاصل رهایی انسان از اسارت نفس است، فراهم گردد. برخلاف دموکراسی‌های موجود غربی، آرمان‌شهر تمدنی جولانگاه هواهای نفسانی افراد جامعه نیست؛ بلکه برعکس، زمینه‌ساز آزادی معنوی اتباع خویش است.

تفاوت مکتب انبیا و... مکتب‌های غربی این است که فرستادگان الهی آمده‌اند به مردم آزادی معنوی بدهند که آزادی مقدسی است و تنها از راه نبوت، دین، وحی، ایمان و تقوا به دست می‌آید. انسان باید روح خود را از این رذالت‌ها، جهالت‌ها، گناه‌ها و سرپیچی از قوانین الهی آزاد کند و از اسارت نفس، شهوات و هواهای نفسانی بیرون آید. کسی که آزادی معنوی دارد، تنها خدا را می‌پرستد... انسانی که برده دنیا، جاه‌طلبی و ثروت و زیاده‌خواهی است، نمی‌تواند ادعای آزادی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۷۰).

نتیجه‌گیری

در این مقاله در جست‌وجوی شاخص‌های آرمان‌شهر تمدنی در اندیشه علامه مصباح یزدی بودیم. ترسیم آرمان‌شهر یا جامعه آرمانی از منظر علامه مصباح یزدی، که با رویکرد تمدنی صورت پذیرفته است، از سه ویژگی متمایز با دیگر آرمان‌شهرها همراه است: اولاً پیوند بسیار نزدیکی با ابعاد وجودی انسان و واقعیت‌های عینی اجتماعی دارد؛ ثانیاً به تبیین هدف اصلی و اهداف میانی در سلسله‌مراتب اهداف جامعه آرمانی می‌پردازد؛ ثالثاً

شاخص‌های آرمان‌شهر را به‌مثابه راهبردهای دستیابی به چنین جامعه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد.

جامعه آرمانی و مطلوب علامه مصباح یزدی جامعه‌ای است که افرادش با بهره‌مندی از عقاید، اخلاق و اعمال موافق با تعالیم و احکام اسلامی و با اشتراک مساعی در امور مادی و معنوی در مسیر سعادت و کمال حقیقی خود گام برمی‌دارند. گام نخست، تعیین هدف غایی آرمان‌شهر تمدنی است و آن استکمال انسان در ابعاد مختلف نظری و عملی و نهایتاً دستیابی به سعادت و قرب الهی است. گام دوم، ترسیم روابط چهارگانه انسان با خدا، انسان با خود، انسان با طبیعت و انسان با هموعان است. در آرمان‌شهر تمدنی علامه مصباح، رابطه انسان با خدا در تعیین غرض و جهت‌گیری هر یک از افعال فردی و اجتماعی وی مورد توجه است و کرامت افراد بر اساس قرب و بعد الهی آنان تعریف می‌شود. رابطه انسان با خود نیز بر اساس حقوق و حدود الهی و بر مبنای حفظ امانت الهی ترسیم می‌شود. نوع ارتباط انسان با طبیعت بر مدار خلافت انسان و امانت الهی بودن طبیعت شکل می‌گیرد؛ به‌نحوی که تصرف در طبیعت با اسراف و تلف ساختن طبیعت همراه نخواهد بود. رابطه با دیگران نیز در دو قالب ارتباط با افراد حقیقی و نهادهای حقوقی قابل بررسی است. نیکوکاری، احسان، عدالت و انصاف، معیارهای ارتباط‌گیری مؤثر، مناسب و صحیح با هموعان هستند. ارتباط با دیگران، گاه در قالب نهادهای خانواده، حقوق، سیاست، اقتصاد، آموزش و پرورش، جهاد و دفاع و دیگر نهادهای اجتماعی جلوه‌گر می‌شود. در آرمان‌شهر تمدنی باید در راه تحکیم و تقویت بنیان خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن این واحد اجتماعی بسیار مهم، سعی بلیغی به‌عمل آید.

در بخش اقتصاد، دولت باید مردم را برای تلاش اقتصادی ترغیب کند و خود اهداف کلان، راهبردها و راهکارهای اقتصادی را ترسیم نماید. در بعد سیاسی، هر فرد باید به‌میزانی که از امتیازات علمی، اخلاقی و عملی بهره بیشتری دارد، به رأس هرم قدرت سیاسی و اجتماعی نزدیک‌تر شود. در بعد حقوقی باید قوانین عادلانه و روزآمد در باب سیاست داخلی و خارجی با نظر به مقتضیات زمان و مکان، از مجموعه اصول شریعت به‌روشی اجتهادی توسط فقیهانی مؤمن و متعهد استنباط شود. در بعد آموزش و پرورش باید افراد را بر طبق شناخت‌های دینی رشد و پرورش داد و موجب پیشرفت آنها در اخلاق و علم و معنویت شد. همچنین باید تعلیم علوم و معارف، فنون و صنایع، و حرفه‌هایی را که برای رفع نیازمندی‌های مادی و اقتصادی جامعه ضروری است، در دستور کار قرار داد. در بعد جهاد و دفاع، آرمان‌شهر تمدنی از آمادگی جامع و کامل برخوردار است. از جهت روحی، دارای مردمی با روحیه ایثار و از خودگذشتگی است و از لحاظ استعداد، مجهز به همه انواع علوم و فنون و تسلیحات لازم و مناسب برای توفیق در تدابیر جنگی است و نهایتاً بر پایه ایمان به حق، از هرگونه خوف و ترسی پاک و پیراسته است.

استاد مصباح در گام سوم به برخی از شاخص‌های آرمان‌شهر تمدنی بدین شرح اشاره می‌کنند: شاخص‌های نظری، همچون ابتنای آرمان‌شهر بر استخلاف و امانت الهی؛ تبعیت از اراده تشریعی الهی؛ توجه توأمان به

نیازهای طبیعی و فطری؛ و وجود دولت حق‌گرای دینی؛ شاخص‌های عملی، همانند مردم‌سالاری دینی بر محور حقایق دینی؛ تعالی‌بخشی مادی و معنوی به‌مثابه کارویژه دولت؛ هم‌گرایی جامعه با اهداف غایی؛ برقراری امنیت فراگیر در جامعه؛ آزادی قاعده‌مند در چهارچوب اخلاق و شریعت؛ تنظیم دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر پایه رضای الهی؛ و مدارا در چهارچوب قوانین الهی؛ و نهایتاً شاخص‌های راهبردی، نظیر رشد همه‌جانبه و متعادل؛ پایه بودن مصالح معنوی برای انسجام اجتماعی؛ مقاومت در برابر تهدیدات؛ اصلاح اجتماعی بر پایه معرفت دینی معتبر و جامع؛ معادباوری و شهادت‌طلبی؛ تکریم و پاسداشت شعائر و ارزش‌های الهی؛ مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ محرومیت‌زدایی و مبارزه با اسراف؛ و آزادی معنوی اجتماعی.



منابع

- حکیم، سیدمنذر (۱۳۹۴). *مجموعه‌ها فی فکر و تراث الشهدید السید محمد باقر الصدر*. قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۴۰۲). *تاریخ در ترازو*. تهران: امیرکبیر.
- سعادت، عبدالمهدی و کلانتری، میترا (۱۴۰۲). مقایسه تطبیقی آرای توماس مور و نیکولو ماکیاوولی در باب آرمان‌شهر (نمونه مطالعاتی: کتاب‌های اوتوپیا و شهریار). *فصلنامه معماری‌شناسی*، (۲۸)، ۷۴-۸۲. <https://civilica.com/doc/1957985>
- سوروکین، الکساندر پینزیم (۱۳۷۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه‌های نوین تاریخ*. ترجمه اسدالله مبشری. رشت: حق‌شناس.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۸۵). *اخلاق ناصری*. تصحیح: مینوی و حیدری. تهران: خوارزمی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). *جامعه و تاریخ در قرآن*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). *آذرخشی دیگر از آسمان کریم*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲). *نگاهی گذار به نظریه ولایت فقیه*. نگارش: محمد مهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *جامی از زلال کوثر*. تحقیق و نگارش: محمدباقر حیدری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ الف). *رسانترین دادخواهی و روشنگری (شرح خطبه حضرت زهرا مرضیه - علیها السلام - معروف به خطبه فدکیه)*. نگارش: عباس گرای. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ب). *اخلاق در قرآن*. تحقیق: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ج). *آفتاب مطهر*. تدوین: کلی زواره. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ د). *بزرگ‌ترین فریضه*. تدوین: قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱ ه). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). *اصلاحات، ریشه‌ها و تیشه‌ها*. نگارش: قاسم شبان‌نیا. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹ الف). *آئین پرواز، ویژه جوانان و نوجوانان*. تلخیص: جواد محدثی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۹ ب). *انسان‌شناسی در قرآن*. تدوین: محمود فتحعلی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مظاهری، ابوذر و صولتی، یاسر (۱۴۰۰). *چهارچوب مفهومی تمدن از دیدگاه علامه مصباح*. معرفت، ۳۰ (۲۸۷)، ۲۷-۴۰.
- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: زرین.